



دانشگاه مازندران
دانشکده علوم اقتصادی و اداری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته:
علوم اقتصادی

موضوع:

تأثیر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی ایران
"با تأکید بر بنگاه‌های زودبازده"

استاد راهنما:

دکتر محمدعلی احسانی

استاد راهنما:

دکتر زهرا علمی

نام دانشجو:

داود جاوید نیا

اسفند ماه ۱۳۸۷

تقدیم به

پدر

و

مادر

عزیزتر از جانم

چکیده

کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی معتقدند که بخش خصوصی به ویژه صنایع کوچک و متوسط می‌توانند توسعه اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ارمغان آورند. این صنایع نقش مهم و قابل توجهی را در ایجاد اشتغال، رشد بهره‌وری و نوآوری بازی می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که صنایع کوچک و متوسط از طریق کانال‌های کارآفرینی، نوآوری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. همچنین یکی دیگر از ابزارهای مهم کاهش بیکاری و افزایش اشتغال در کشور، اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین بوده که این بنگاه‌ها توانسته‌اند با بالا بردن روحیه کارآفرینی، ایجاد روش‌های جدید تولید و ایجاد ظرفیت‌های شغلی بالا، ترکیب و ساختار اشتغال را در کشور دگرگون سازند. این بنگاه‌ها توانستند در طول دوره زمانی فعالیت خود بیش از ۹۲۰ هزار فرصت شغلی جدید را در کشور ایجاد کنند و ۱۹ هزار و ۵۰ میلیارد تومان تسهیلات را جذب کنند.

در این مطالعه به بررسی رابطه بین صنایع کوچک و متوسط و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های ترکیبی و رابطه بین بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های مقطعی پرداخته شده است. یافته‌های به دست آمده بر اساس اطلاعات استانی برای دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۵ نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت و معناداری بین صنایع کوچک و متوسط و رشد اقتصادی کشور و همچنین بین بنگاه‌های زودبازده و رشد اقتصادی وجود دارد که دال بر اهمیت این صنایع می‌باشد.

کلید واژه‌ها:

صنایع کوچک و متوسط، بنگاه‌های زودبازده، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
فصل اول مقدمه و کلیات تحقیق		۱
فصل اول: کلیات تحقیق		۲
۲-۱- تعریف مساله		۴
۳-۱- اهمیت و ضرورت موضوع		۶
۴-۱- حدود پژوهش :		۷
۵-۱- فرضیات تحقیق :		۷
۶-۱- اهداف پژوهش		۸
۷-۱- خلاصه مراحل پژوهش		۸
فصل دوم ادبیات موضوع و سابقه تحقیق		۹
فصل دوم: ادبیات تحقیق و سابقه تحقیق		۱۰
۱-۲- مقدمه		۱۰
۲-۲- بخش اول: مروری بر ادبیات صنایع کوچک و متوسط (تعاریف، نظریات، تنگناها)		۱۰
۱-۲-۲- تعریف صنایع کوچک و متوسط (SME)		۱۰
۲-۲-۲- تعریف و اهداف بنگاههای زودبازده		۱۱
۳-۲-۲- تاریخچه صنایع کوچک در ایران		۱۲
۴-۲-۲- تحولات در اقتصاد جهانی		۱۴
۵-۲-۲- نظریه‌های موجود درباره علل گرایش به بنگاههای کوچک و متوسط		۱۶
۶-۲-۲- عوامل محرک و مشوق برای کوچک ماندن صنایع		۱۹
۷-۲-۲- سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط (SMEs)		۲۲
۸-۲-۲- پی آمدهای صنایع کوچک و متوسط برای اقتصاد جهانی		۲۴
۹-۲-۲- مشکلات و تنگناهای SMEs		۲۵
۳-۲-۳- بخش دوم: اهمیت اقتصادی SMEs		۲۷
۱-۳-۲- مروری نظری بر اشتغال، تولید و صادرات		۲۷
۲-۳-۲- سهم صنایع کوچک و متوسط در ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید		۲۹
۳-۳-۲- کاربری بنگاه		۳۲
۴-۳-۲- نقش صنایع کوچک و متوسط در ایجاد کارآفرینی		۳۲
۵-۳-۲- نقش صنایع کوچک و متوسط در ایجاد نوآوری		۳۳
۶-۳-۲- صادرات و تجارت جهانی		۳۵
۷-۳-۲- تئوری اقتصادی در بنگاههای کوچک		۳۶
۴-۲-۴- بخش سوم: مروری بر مطالعات انجام شده:		۳۹
۱-۴-۲- مطالعات انجام شده در ایران		۳۹
۲-۴-۲- مطالعات انجام شده در کشورها خارجی		۴۰
فصل سوم معرفی مدل، متغیرها و روش شناسی تحقیق		۴۸

۴۹	فصل سوم: معرفی مدل، متغیرها و روش شناسی تحقیق.....
۴۹	۱-۳- مقدمه
۴۹	۲-۳- چارچوب تئوریکي:.....
۵۰	۱-۲-۳- مدل رشد نئو کلاسیک سولو- سوان.....
۵۰	۲-۲-۳- فروض مدل رشد نئو کلاسیک سولو- سوان و ارزیابی آنها.....
۵۰	- تشریح فروض مدل
۵۵	- ارزیابی فروض مدل نئو کلاسیک از زبان سولو و رومر
۵۸	۳-۲-۳- مدل تکمیل شده سولو
۶۱	۳-۳- معرفی متغیرها.....
۶۴	۴-۳- روش شناسی تحقیق
۶۵	۵-۳- انواع داده‌های مورد استفاده در اقتصاد سنجی:.....
۶۶	۶-۳- مزایا و محدودیتهای داده‌های تابلویی:
۶۸	۷-۳- چارچوب کلی داده‌های ترکیبی:
۶۸	۸-۳- روشهای قابل استفاده برای تخمین مدل داده های ترکیبی:.....
۶۹	۱-۸-۳- روش حداقل مربعات معمولی (OLS)
۷۰	۲-۸-۳- مدل اثر ثابت (مدل حداقل مربعات با متغیر مجازی (LSDV)).....
۷۱	- مدل حداقل مربعات با متغیر مجازی (LSDV).....
۷۱	۳-۸-۳- مدل اثر تصادفی
۷۳	- روش REM
۷۴	۴-۸-۳- مدل پارامترهای تصادفی:
۷۵	۵-۸-۳- انواع آزمونها:
۷۹	فصل چهارم تخمین و تحلیل مدل
۸۰	۱-۴- مقدمه
۸۱	۲-۴- توصیف داده ها
۸۷	۳-۴- تخمین و تحلیل داده‌های بنگاههای زودبازده
۹۰	۴-۴- تخمین و تحلیل داده‌های صنایع کوچک و متوسط
۹۵	فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات.....
۹۶	۱-۵- مقدمه
۹۷	۲-۵- نتیجه گیری
۹۹	۳-۵- ارائه توصیه ها و راهکارها.....
۱۰۱	منابع و ماخذ:.....
۱۰۵	پیوست ها

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۶۲	جدول ۱-۳- اسامی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق، توصیف آنها و منبع آماری
۸۰	جدول ۱-۴- اطلاعات آماری برای صنایع کوچک و متوسط در سال ۱۳۸۳
۸۲	جدول ۲-۴- اطلاعات آماری برای صنایع کوچک و متوسط در سال ۱۳۸۴
۸۳	جدول ۳-۴- اطلاعات آماری برای صنایع کوچک و متوسط در سال ۱۳۸۵
۸۵	جدول ۴-۴- اطلاعات آماری برای بنگاههای زود بازده در سال ۱۳۸۵
۸۶	جدول ۵-۴- نتایج آزمون‌های مربوط به روش مقطعی
۸۷	جدول ۶-۴- نتایج تخمین مدل مورد بررسی با روش مقطعی
۹۱	جدول ۷-۴- نتایج آزمون‌های چاو، ضریب لاگرانژ و هاسمن
۹۱	جدول ۸-۴- نتایج تخمین مدل مورد بررسی با روش داده‌های تابلویی

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۸	نمودار ۱-۲- ترسیم نموداری معادله (۱) و (۲)
۳۱	نمودار ۲-۲- سهم اشتغال بر حسب اندازه بنگاه و GDP
۳۲	نمودار ۳-۲- سهم بخش SME برای اشتغال و GDP

فصل اول

مقدمه و کلیات تحقیق

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

شواهد قابل توجه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد فعالیت‌ها اقتصادی از صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک و متوسط در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انتقال یافته است. بسیاری از محققین معتقدند که حرکت صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک به دو دلیل می‌باشد. اولین دلیل مربوط به تغییرات بنیادی می‌باشد که بعد از دهه ۱۹۷۰ در اقتصاد جهان رخ داده است. این تغییرات بنیادی مربوط به تشدید رقابت جهانی، افزایش درجه ناطمینانی و رشد پراکندگی بازارها می‌باشد. دومین دلیل مربوط به مشخصه‌های پیشرفت تکنولوژیکی می‌باشد. در دو دهه گذشته، بانک جهانی و همدستانش جهت تسریع رشد اقتصادی حمایت مالی خود را به سمت SMEs سوق داده‌اند. برای مثال بانک جهانی در پنج سال گذشته بیش از ۱۰ میلیارد دلار جهت حمایت از برنامه‌های این صنایع اختصاص داده است. به طوری کلی طرفداران صنایع کوچک و متوسط معتقدند که این صنایع به روش‌های گوناگون موجب تسریع رشد اقتصادی می‌شوند. اولاً، این صنایع موجب افزایش کارآفرینی و نوآوری می‌گردند.

ثانیاً، این صنایع نسبت به صنایع بزرگ دارای تولیدات بیشتری هستند. اما بازارهای مالی و موسساتی که دچار ورشکستگی شده‌اند از توسعهٔ SMEs ممانعت می‌کنند. از این‌رو حمایت‌های مستقیم مالی دولت به SMEs می‌تواند توسعه و رشد اقتصادی را بالا ببرد. در نهایت، طرفداران SMEs معتقدند که این صنایع اشتغال را نسبت به صنایع بزرگ بیشتر افزایش می‌دهند زیرا این صنایع کاربرترند.

امروزه در اکثر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه‌های مختلف اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی هستند. این صنایع با صادرات قابل توجه خود نقش موثری در توسعه اقتصادی کشورهای خود ایفا می‌کنند.

در کشور ما علی‌رغم حضور کمی قابل توجه صنایع کوچک در ساختار صنعتی کشور، به دلیل نگرش یکسان در سیاست گذاری‌ها به واحدهای تولیدی و فارغ از مقیاس آنها، صنایع کوچک و متوسط با معضلات متعددی روبرو هستند، به نحوی که در ایفای نقش خود در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ناتوان مانده‌اند.

از عوامل باز دارنده و موانع رشد صنایع کوچک در کشور می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- داشتن ساختار سنتی از جنبه‌های مختلف مدیریتی، نیروی انسانی و ماشین آلات

- در اختیار نداشتن منابع مالی لازم و کافی

- پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری‌های جدید

- وجود قوانین انعطاف‌ناپذیر کار و تأمین اجتماعی و مالیاتی

- آسیب‌پذیر بودن این صنایع در مشکلات و بحران‌های اقتصادی در رویارویی با تورم

- مشکلات تأمین مواد اولیه و ...

- نبود نظام منسجم پشتیبانی از صنایع کوچک

- پایین بودن نرخ ورود صنایع کوچک به بازار و مشخص نبودن نرخ واقعی خروج از آن

- نبود نظام پشتیبانی از کار آفرینی و نو آوری (مجیدی، ۱۳۸۳)

ما در این تحقیق با استفاده از داده‌ها و اطلاعات جمع آوری شده به بررسی تأثیر بنگاه‌های زودبازده و صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی در کشورمان می‌پردازیم.

۲-۱- تعریف مساله

در دو دهه اخیر تغییرات محتوایی و کیفی بسیار زیادی در بازارهای جهانی رخ داده است، حرکت به سوی منطقه‌ای شدن و جهانی شدن بازارها سرعت گرفته است. به موازات آن، دوره تولید محوری به انتهای حیات خود رسیده و دوره مشتری محوری در حال شکل‌گیری است. تولیدکنندگان صنعتی با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش، تمهیداتی اندیشیده‌اند که نتیجه آن تغییر در ساختار صنعتی خواهد بود یکی از مشخصات بارز و اصلی این ساختار، رشد و ترویج بیش از پیش صنایع کوچک و متوسط می‌باشد (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶).

طبق گزارش وزارت صنایع و معادن، تعریف واحدی در مورد صنایع کوچک و متوسط (SME)^۱ وجود ندارد و هر کشور بسته به سطح توسعه اقتصادی و شرایط اجتماعی خود تعریف خاصی برای SMEs ارائه می‌دهد. برخی از کشورها از شاخص‌هایی نظیر تعداد کارکنان یک واحد صنعتی، میزان سرمایه‌گذاری، کل دارایی‌ها، میزان فروش و ظرفیت تولید در تقسیم بندی خود استفاده می‌کنند. ولی عمده‌ترین شاخص تعداد کارکنان است.

تجارب مفیدی در مورد SMEs در برخی از کشورها وجود دارد. در کشور چین به واسطه اصلاحات بازارگرایانه در سیستم اقتصادی، به تدریج بازارهای کار و سرمایه ایجاد شد. به نحوی که ترکیب منابع فراوان کار و سرمایه بهبود یافت. توسعه واحدهای SME به ویژه واحدهایی با مالکیت غیردولتی موجب شد که این بخش از اقتصاد چین به عنوان یکی از بخش‌های اصلی محسوب شود. در پاکستان سهم صنایع کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی این کشور ۷ درصد و در کالاهای صنعتی ۲۵ درصد می‌باشد. همچنین

^۱Small and Medium Enterprises

۹۰ درصد اشتغال در بخش صنعت مربوط به واحدهایی با تعداد کارکنان کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد (کهزادی و دهقان، ۱۳۸۴).

بانک جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی نیز به نقش SMEs در رشد اقتصادی واقفند و برنامه‌های حمایتی زیادی در این رابطه به اجرا در آورده‌اند. به عنوان نمونه، بانک جهانی طی ۵ سال منتهی به ۲۰۰۵ به تنهایی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از منابع خود را به برنامه‌های حمایتی از SMEs اختصاص داده است (بانک جهانی^۲، ۲۰۰۲).

فعالیت‌های اقتصادی کوچک در طول سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بیش از ۲۰ میلیون شغل جدید در آمریکا ایجاد کرد. این روند در طول سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱ نیز در آمریکا ادامه یافت. بیش از ۹۵ درصد از صنایع در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ صنایع کوچک و متوسط هستند که ۶۰ تا ۷۰ درصد از مشاغل را در این کشورها ایجاد کردند. در اروپا ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد صنعتی وجود دارد که ۱۲۲ میلیون نفر را استخدام می‌کنند. تنها ۰/۲ درصد از آنها صنایع بزرگ هستند (داوز، ۲۰۰۵).

کشور نیوزیلند در سال ۲۰۰۵ رتبه نخست را در زمینه شاخص سهولت کسب و کار که توسط بانک جهانی تعیین می‌شود را بین ۱۵۵ کشور دنیا به خود اختصاص داده است. در این سال، تعداد صنایع کوچک و متوسط در این کشور ۳۱۲ هزار واحد بود که بیش از ۴۰ درصد از شاغلین در این بخش فعال بوده و ۱/۳ درصد تولید ناخالص داخلی مربوط به این بخش است (داوز، ۲۰۰۵).

طبق بررسی‌های غزوی نخجوانی (۱۳۸۰)، دلیل اصلی معضل بیکاری در سالهای اخیر رشد سریع جمعیت در گذشته و ناکارآمدی اقتصاد ملی در ایجاد فرصت‌های شغلی بوده است. طبق بند الف، ماده ۳۹ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است ساختار بنگاههای اقتصادی را در جهت تقویت رقابت پذیری اصلاح نماید. یکی از این اصلاحات رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه بنگاههای کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل برخی از آنها به بنگاههای بزرگ و رقابت پذیر و اصلاح ساختار قطبی کنونی است.

^۲World Bank

^۳The Organization for Co-operation Development(OECD)

با وجود این، برخی از محققین بر مزایای بنگاههای بزرگ تاکید دارند و فرضیات اساسی SMEs را به چالش می‌کشاند. آنها معتقدند که بنگاههای بزرگ ثبات بیشتری دارند و ظرفیت شغلی بالاتری را نسبت به بنگاههای کوچک پدید می‌آورند (بیک، کانت، لوین^۴، ۲۰۰۳).

پاگانو و اسپیواردی^۵ (۲۰۰۱)، معتقدند که بنگاههای بزرگ به منافع ناشی از مقیاس اقتصادی تولید دسترسی دارند و قادرند هزینه‌های ثابت مربوط به تحقیق و توسعه را تامین کنند در حالیکه SMEs چنین توانی را ندارند.

مطالعاتی در سال ۱۹۹۳ توسط آکس^۶ و آیودرج^۷ و در سال ۱۹۹۲ توسط کارلسون^۸ صورت گرفت، و دلایلی را برای حرکت بنگاههای بزرگ به سمت بنگاههای کوچک ارائه گردید. کارلسون دو دلیل برای این حرکت پیشنهاد کرد: اولین دلیل به تغییرات اساسی اقتصاد جهان بعد از دهه ۱۹۷۰ مربوط می‌شود، برخی از این تغییرات اساسی عبارتند از: ارتقاء فضای رقابتی بین المللی، افزایش درجه نا اطمینان و تسریع در تجزیه بازار، درحالی که دلیل دوم به تغییرات در نحوه پیشرفت تکنولوژی مربوط می‌شود. کارلسون ثابت کرد که تکنولوژی انعطاف پذیر اثرات گوناگونی دارد که منجر به حرکت بنگاههای بزرگ به سمت بنگاههای کوچک می‌شود (داوز، ۲۰۰۵).

۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع

صنایع کوچک و متوسط یک نقش مهم و حیاتی را در توسعه اقتصادی و رشد درآمدها بازی می‌کنند و برای کشورهای توسعه یافته و صنعتی، عامل اصلی ایجاد شغل و فرصتهای شغلی هستند و یک سهم قابل توجهی برای توسعه صنعتی و رشد صادرات بازی می‌کنند.

در کشورهای کمتر توسعه یافته نیز صنایع کوچک و متوسط نقش مهم و قابل توجهی بازی می‌کنند، زیرا سهم بالایی در بهبود توزیع درآمد، ایجاد شغل، کاهش فقر، توسعه صنعتی و رشد درآمدهای صنعتی دارند.

^۴ Thorsten Beck, Asli Demirgüç-Kun, Ross Levine

^۵ Pagano & Schivardi

^۶ Acs

^۷ Audretsch

^۸ Carlsson

بطور کلی صنایع کوچک و متوسط به دلایل زیر دارای اهمیت هستند:

۱) صنایع کوچک و متوسط از تکنولوژی‌هایی استفاده می‌کنند که (در مقایسه با تکنولوژی‌های مدرن که بطور معمول توسط شرکت‌های بزرگ استفاده می‌شوند) تناسب بیشتری با شرایط و فاکتورهای محلی مانند کمبود مواد خام و سرمایه دارند.

۲) صنایع کوچک و متوسط نسبت به رقبای بزرگتر خود دارای انعطاف‌پذیری بالاتری هستند از این رو در اقتصادها و صنایعی که دارای تغییرات سریع در شرایط بازار می‌باشند مثل رکود اقتصادی دارای اهمیت بالایی هستند.

۳) در اکثر کشورها، بسیاری از صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع خرد (۹-۱ کارکن) موقعیت مطلوب‌تری از نظر توسعه اقتصادی دارند. زیرا می‌توانند به شکل آسانتری به بنگاه‌های بزرگ تبدیل شوند.

۴) صنایع کوچک و متوسط در تکنولوژی و سرمایه‌گذاری دارای بهره‌وری بالایی هستند که میزان این بهره‌وری در اقتصاد کشورهای مختلف به فاکتورهایی از قبیل، دسترسی به عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری بویژه سرمایه‌گذاری، تکنولوژی، کارکنان ماهر و سیاست‌های دولت در زمینه برقراری ارتباط بین صنایع کوچک و متوسط و صنایع بزرگ، وابسته هستند.

با توجه به موارد فوق‌الذکر اهمیت مطالعه صنایع کوچک و متوسط آشکار می‌شود. بنابراین تحقیق حاضر، به بررسی تأثیر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی کشور در فاصله سالهای ۱۳۸۳-۱۳۸۵ پرداخته است.

۱-۴- حدود پژوهش :

این تحقیق برای کشور جمهوری اسلامی ایران در دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۵ انجام می‌شود.

۱-۵- فرضیات تحقیق :

اثر SMEs بر رشد اقتصادی کشور مثبت است. (عموماً بنگاه‌های زودبازده از نظر مصادیق با بنگاه‌های کوچک و متوسط هم‌ارز هستند)

۱-۶- اهداف پژوهش

هدف از انجام تحقیق حاضر این است که تأثیرات SMEs را بر رشد اقتصادی بررسی شود تا ضرورت وجود SMEs و توسعه آنها مشخص شود.

۱-۷- خلاصه مراحل پژوهش

با توسعه منابع و مطالعه آنها، در مرحله اول، سعی بر این است تا بیان شود که در کشورهای دیگر SMEs چگونه و از چه کانالی بر رشد اقتصادی تأثیر دارد. همچنین، در این مرحله نظریات مربوط به بحث و کارهای تجربی انجام شده جمع آوری شده است. تا اثر شرایط مختلف بر رابطه SMEs و رشد را دیده شود. سپس، مدل ارائه شده مربوط به بحث، به طور کامل بسط و توضیح داده شده و متغیرهای مدل معرفی گردیده است. در مرحله بعد، با توجه به وضعیت SMEs در ایران متغیرهای مناسب را معرفی کرده و داده‌ها به تفکیک استانهای کشور در سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ جمع آوری شده است. آنگاه برای حل مدل و استخراج نتایج از روش داده‌های تابلویی و ابزار اقتصادسنجی و نرم افزار Eviews6 و STATA9 استفاده گردیده است. در پایان مدل مورد تحلیل قرار گرفته است.

فصل بندی تحقیق به صورت زیر خواهد بود: در فصل اول، بیان مسئله آورده می‌شود. در فصل دوم، ادبیات تحقیق پیرامون موضوع SME و رشد اقتصادی به همراه مروری بر کارهای انجام شده ارائه می‌گردد. در فصل سوم، متغیرهای مدل شامل اندازه SMEs و نیز متغیر کنترل به همراه مدل معرفی می‌گردد. در فصل چهارم، با استفاده از داده‌های استانی برای SMEs در فاصله سالهای ۱۳۸۳-۱۳۸۵ مدل آزمون شده و یافته‌های آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در فصل پنجم، جمع‌بندی و نتایج تحقیق مطرح می‌شود.

فصل دوم

ادبیات موضوع و سابقه تحقیق

فصل دوم: ادبیات تحقیق و سابقه تحقیق

۱-۲- مقدمه

در این فصل به بررسی ادبیات موضوعی در ارتباط با تحقیق می‌پردازیم. این فصل مشتمل بر سه بخش است. ابتدا در بخش نخست به بررسی ادبیات نظری در مورد صنایع کوچک و متوسط پرداخته می‌شود. بخش دوم به بررسی اهمیت اقتصادی صنایع کوچک و متوسط پرداخته می‌پردازد. و بالاخره مروری بر پیشینه تحقیق نیز پایان بخش این فصل محسوب می‌شود.

۲-۲- بخش اول: مروری بر ادبیات صنایع کوچک و متوسط (تعاریف، نظریات، تنگناها)

۱-۲-۲- تعریف صنایع کوچک و متوسط (SME)

ادبیات مربوط به اشتغال‌زایی واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط بسیار گسترده است. این گستردگی موجب ایجاد تعاریف گوناگونی برای این واحدهای اقتصادی شده است که این تعاریف با توجه به ساختار سنی، جمعیتی، فرهنگی و درجه توسعه یافتگی متفاوت می‌باشند.

با وجود شباهت های فراوانی که بین بنگاه های کوچک و متوسط در کشورهای مختلف جهان وجود دارد، نمی توان یک تعریف واحدی برای آنها ارائه داد. هر کشوری با توجه به شرایط خاص خود تعریفی از این کسب و کارها ارائه کرده است (ملکی نژاد، ۱۳۸۵).

طبق گفته داووز (۲۰۰۵)، طبقه بندی صنایع کوچک و متوسط مبتنی بر چهار شاخص عمده ذیل می باشد:

(۱) تعداد کارکنان بنگاه (۲) مجموعه دارایی های خاص بنگاه (۳) میزان سطح فروش بنگاه (۴) میزان سرمایه گذاری بنگاه.

مهمترین و معمول ترین شاخص جهت تعریف اندازه بنگاه های کوچک و متوسط تعداد کارکنان بنگاهها می باشد. اگرچه این شاخص در کشورهای مختلف، متفاوت است، اما بیشتر کشورها صنایع کوچک و متوسط را به لحاظ تعداد کارکنان در طیف معینی از یک تا دویست و پنجاه کارکن تعریف می نمایند.

مرکز آمار ایران کسب و کارها را به چهار گروه تقسیم بندی کرده است: کسب و کارهای دارای ۹-۱ کارگر، ۴۹-۱۰ کارگر، ۹۹-۵۰ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر. هرچند این طبقه بندی ظاهراً شباهتی با تعاریف اتحادیه اروپا دارد ولی مرکز آمار ایران فقط کسب و کارهای کمتر از ۱۰۰ نفر نیروی کار را بنگاه های کوچک و متوسط محسوب می کند و سایر کسب و کارها را کارخانجات صنعتی بزرگ قلمداد می کند. بانک مرکزی ایران نیز کسب و کارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به عنوان بنگاه های کوچک و متوسط تلقی می کند (ملکی نژاد، ۱۳۸۵).

۲-۲-۲- تعریف و اهداف بنگاه های زودبازده

طبق گزارشات وزارت کار و امور اجتماعی بنگاه های زودبازده نیز دارای تعاریفی هم ارز با صنایع کوچک و متوسط می باشد.

هیأت وزیران در مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۹ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی وزارت کار و تأمین اجتماعی، اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی و به استناد اصل «۱۳۸» قانون اساسی و مواردی از برنامه چهارم

توسعه، آیین نامه‌ای را جهت اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین ابلاغ نمودند. اهداف این طرح عبارتند از:

۱- ساماندهی بنگاه‌های زودبازده ۲- توزیع عادلانه در تمامی مناطق، به ویژه در مناطق محروم ۳- توزیع عادلانه درآمد بین اقشار مردم، به ویژه مردم مناطق محروم ۴- افزایش تولید و صادرات این بنگاه‌ها ۵- افزایش تسهیلات بانکی این بنگاه‌ها ۶- تقویت کارآفرینی، اشتغال‌زایی و افزایش فرصت‌های شغلی.

به طور کلی یکی از راهکارهایی که تاکنون در کشور ما به جهت جمعیت و بحران بیکاری و ناکارآمدی عوامل تولید مطرح شده بحث ایجاد بنگاه‌های زودبازده بوده است. دلیل اینکه بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین در ایجاد اشتغال می‌توانند سهم بسزایی داشته باشند عبارت است از:

۱- مشارکت عمومی مردم در ایجاد این بنگاه‌ها به جهت نیاز به منابع مالی و غیرمالی محدود ۲- بهره‌وری حاصل از این بنگاه‌ها نسبتاً و به طور ملموس به مردم یا اقشار متوسط جامعه می‌رسد ۳- با توجه به افزایش بیکاران، خصوصاً زنان و تحصیل‌کرده‌گان از یک طرف و عدم امکان دولت جهت ایجاد شغل برای همه مردم، این بنگاه‌ها می‌توانند در ایجاد مشاغل برای مردم و به اصطلاح ایجاد اشتغال غیرمزدگیری و متکی به خود گام بردارند ۴- یکی از محاسن ایجاد بنگاه‌های زودبازده این است که این بنگاه‌ها به صورت منطقه‌ای می‌توانند اولاً: پتانسیل بالقوه را شناسایی و ثانیاً: با توجه به پتانسیل موجود (نیروی انسانی، منابع، سرمایه و مدیریت منطقه‌ای) محصول و یا خدمت خاص منطقه را تولید تا نیازهای منطقه برآورد سازند و بیکاران به کار گرفته شوند ۵- شاید یکی از عادلانه‌ترین شیوه توزیع درآمد ایجاد بنگاه‌های زودبازده می‌باشد (شفیع آبادی، ۱۳۸۴).

۲-۲-۳- تاریخچه صنایع کوچک در ایران

تا پیش از سال ۱۳۴۳ چیزی به اسم صنعت کوچک در ایران مشخص نشده بود. صنعت یا عبارت بود از صنایع بزرگ جدیدی که از دهه دوم قرن حاضر تأسیس آنها در ایران آغاز شده بود و یا صناعی که از قرن‌ها قبل نسل به نسل از قدیمی‌ترین صنعت‌گران به فرزندان آنها به ارث رسیده بود. صنعت ایران،

صنعت دستی مانند بافندگی‌ها، ریسندگی‌های دستی، سفال‌گری، قفل و کلید سازی و آهن‌گری و نجاری و مهمتر از همه قالی‌بافی بود و صنعتی که به پیروی از کشورهای صنعتی به ایران وارد گردید، صنعت بزرگ بود (قره‌چه، ۱۳۷۷).

حد فاصل این دو صنعت، صنعتی بود که برای تأمین برخی نیازمندی‌های مصنوعات مدرن، خود به خود در کشور ایجاد شده بود مثل کارگاه‌های مکانیکی و تراشکاری‌ها و نظایر آنها که تا حدی نیاز تعمیری یا اصلاحی برخی از ماشین‌های وارد شده از کشورهای صنعتی را برآورده می‌کرد. غیر از این‌ها، رشته‌ای که بتوان به عنوان صنعت کوچک به مفهومی که امروز در دنیای صنعتی بدان اشاره می‌شود نام برد، کمتر وجود داشت و آنچه هم که وجود داشت از نظر مقامات اقتصادی کشور شناخته شده نبود (همان منبع).

اولین اقدام برای ترویج و توسعه واحدهای صنعتی کوچک مدرن در ایران از اواسط سال ۱۳۴۳ آغاز گردید. در این سال، هیئت وزیران وقت با توجه به لزوم توسعه صنایع کوچک و متوسط، طرح اجرای برنامه‌های کمک مالی و تهیه تسهیلات کارخانه‌ای مدرن در قالب نواحی صنعتی یا زیربنای لازم، تصمیم به تأسیس سازمانی به نام "سازمان نواحی صنعتی" گرفت. سازمان مزبور مسئول اصلی طرح و تأسیس نواحی صنعتی در مناطق مختلف کشور گردید و در همان زمان یک ناحیه صنعتی نمونه در اهواز با همکاری سازمان ملل تأسیس گردید. به زودی آشکار شد که تأسیس نواحی صنعتی به خودی خود نمی‌تواند برای ترویج و گسترش صنایع کوچک کافی باشد و این امر، مستلزم طرح و اجرای برنامه‌های جامع‌تری برای کمک به صنایع کوچک است. مسئولان امر دریافتند که مهمترین وظیفه در راه توسعه صنایع کوچک تشویق سرمایه‌گذاران داخلی به تأسیس واحد‌های صنعتی کوچک مدرن و ترغیب صاحبان صنایع موجود به بالا بردن سطح کارایی‌شان است و برنامه تأسیس نواحی صنعتی تنها در صورتی می‌تواند در توسعه صنایع کوچک موثر باشد که با برنامه‌های دیگری برای توسعه این بخش صنعتی تلفیق شود (همان منبع).

تجرباتی که طی چند سال فعالیت سازمان نواحی صنعتی بدست آمد منجر به یک تجدید نظر کلی در باره خط مشی توسعه صنایع کوچک گردید و در سال ۱۳۴۷ دولت تصمیم گرفت سازمان جدیدی به نام "سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران"، با مسئولیت بیشتر و حوزه عمل گسترده‌تر برای اجرای یک